



اسماعیل رزم‌آسا
روزنامه‌نگار و پژوهشگر
تاریخ مطبوعات ایران
(قسمت چهارم)

قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، زوال استقلال مالی و نظامی ما بود!

احمدشاه برای امضای قرارداد چه خواسته‌ای داشت؟!

▼ دفاعی از احمدشاه!

در شماره قبل وعده دادیم که پیش از اینکه به سبب تحریف‌هایی که آقای حسین مکی در کتاب: (زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه قاجار) نموده، علیه وی چیزی بنویسم، دفاعی هم از او خواهیم کرد. همچنان که در کتاب: (قضاوت تاریخ- از آقامحمدخان تا محمدرضا شاه) با وجودی که قسمتی از کتاب مذکور در مورد اعمال نکوهیده‌ی احمدشاه بود و با ارایه‌ی اسناد به دریافت مستمری ماهانه ۱۵ هزار تومان به پول آن سال‌ها، از سفارت انگلیس و رشوه‌گیری وی از اشخاص حتی از کامران میرزا جد مادری‌اش، فروش غله حاصل از املاک خود به قیمت گران به اهالی پایتخت و علاقه‌ی شدید او به جمع‌آوری پول و خوشگذرانی وی در ممالک اروپایی و

عدم علاقه‌اش به مملکت‌داری، اختصاص داشت، معذالک در یک مورد از وی دفاع کردم و او را از تهمتی که به ناحق بر او وارد کرده بودند، با چاپ عکس و شرحی که در زیر می‌آید با عنوان: (دفاعی از احمدشاه!) میرا دانستم. «هنگامی که احمدشاه در فرانسه به سر می‌برد این عکس را از او گرفتند و به ایران فرستادند و در یکی از جراید فارس چاپ کردند تا این طور وانمود کنند که احمدشاه در فرانسه با زنان هرجایی مشغول عیاشی است!

اما موضوع عکس چیست و صاحب آن کیست؟

تمام کسانی که سعی کرده‌اند به احمدشاه تهمت «زن‌بارگی» بزنند، هیچ دلیل و مدرکی برای ادعای خود ارایه ندادند.

اصولا نظر به اینکه سلطنت احمدشاه در دوران نوجوانی آغاز شد و با توجه به مقام و موقعیت وی، قطعا دختران و زنانی بوده‌اند که سعی می‌کرده‌اند خود را به او نزدیک کنند ولی تنها موردی که توانسته‌اند انگشت روی آن بگذارند و آن هم مربوط به قبل از ازدواج احمدشاه می‌باشد موضوع دختر وزیر مختار اتریش است.

احمدعلی سپهر (مورخ‌الدوله) در کتاب: «ایران در جنگ بزرگ» به نقل از کریستو فرسایکس، مورخ انگلیسی در مورد احمدشاه می‌نویسد: «... قبل از ازدواج عشق سوزانی نسبت به کنتس لگوتتی، دختر وزیر مختار اتریش داشت و قصر منظریه را در تابستان به اختیار سفارت اتریش قرار داد تا روزها از نیاوران با آن دوشیزه زیبا به گردش و سواری و بازی تنیس بپردازد.

کنتس لگوتتی طرف علاقه میرزااحسین معین‌الوزاره (حسین علاء بعدی رییس کابینه وزارت امور خارجه

که در دوران حکومت مرحوم دکتر مصدق، وزیر دربار بود و بعدها نیز به نخست‌وزیری رسید) بود. اما درباب ازدواج توافق حاصل نکردند.

در ملاقاتی که با مسعودمیرزا سالور، فرزند قهرمان میرزا (عین‌السلطنه) و داماد فرخ‌الدوله در فروردین ۱۳۷۲ در دفتر آقای دکتر باقر عاقلی دست داد، در مورد عکس فوق به نگارنده اظهارداشت: «... این عکس متعلق به همان کنتس لگوتتی است که بنا به روابطی که با احمدشاه در ایران داشتند در فرانسه به دیدن احمدشاه رفته و هنگام عبور از خیابان مخالفان احمدشاه از آنها گرفته و به ایران فرستاده‌اند تا از آن بهره‌برداری سیاسی نمایند».

استدلال وی قانع‌کننده می‌نمود، چه آن که احمدشاه به قول احتشام‌السلطنه «شکمبار» «سفته‌باز»، «محتکر» و «پول‌پرست» بود اما اهل «زن‌بارگی» و این نوع عیاشی‌ها نبود و این خلاف مروت است که انسان حتی در مورد دشمن حربی خود چنین نسبتی بدهد. نگارنده با وجود مدارک و اسناد غیرقابل انکاری که از خصایل نکوهیده‌ی احمدشاه ارایه داد، وظیفه‌ی خود می‌داند که او را از این تهمت میرا بداند.^(۱)

حالا دفاعی از حسین مکی!

اما آنچه که مرا وادار کرد که به دفاع از مکی بپردازم، در قید حیات نبودن وی و وظیفه‌ی تاریخ‌نگاری‌ام بود. او که متاسفانه در کتاب: (زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه قاجار) به تحریف حقایق تاریخی پرداخته، در موردی که شرح خواهیم داد از او دفاع می‌کنم و بعد به خدمت وی و دیگر کسانی که احمدشاه، فرزند محمدعلی شاه جنایتکار را «پادشاهی مشروطه‌خواه» و زندگانی او را «منطبق با فضیلت و وطن‌پرستی» می‌دانند، خواهیم رسید.

در فروردین ۱۳۷۵ موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران مصاحبه ۸ ساعته‌ای با آقای حسین مکی به عمل می‌آورد که چکیده‌ی آن در شماره اول فصلنامه در بهار ۱۳۷۶ همان موسسه به چاپ می‌رسد (ص ۲۱۶-۱۷۶ همان).

در شماره سوم همین فصلنامه دکتر آرین نوذری



برگرفته از صفحه ۱۲۶ کتاب:

(قضاوت تاریخ- از آقامحمدخان تا محمدرضا شاه- تألیف

نویسنده- انتشارات نشر علم)

با عنوان: (در حاشیه‌ی گفت‌وگو با حسین مکی) به نقد دیدگاه‌ها و اظهارات آقای حسین مکی می‌پردازد.

او می‌نویسد: «امیر علایی (درگذشت ۱۹ مرداد ۱۳۷۳) در کتاب خاطرات پراکنده سندی را به نقل از روزنامه زلزله (شماره ۶۲، تاریخ ۳۱/۱/۵) از اسنادخانه‌ی سدان به شرح زیر نقل می‌کند: «نامه سری ۴۹۲ از اسنادخانه سدان، ۱۲ ژوئن ۱۹۵۰» عطف به نامه سری ۲۳۵ فرس گرفت عزیزم، پیغامی که حسین مکی برای شما فرستاده و در نامه‌ی خود ذکر کرده بودید به نظر ما بوالهوسانه آمد... با وجود تعهد حسین مکی که جریان مذاکرات کنونی را در کمیسیون نفت مجلس تغییر دهد، پیشنهاد او قابل ملاحظه است. تقاضای مکی هم برای مساعدت مالی به روزنامه‌ای که می‌خواهد شروع کند نیز قابل قبول ما نیست ارادتمند- ای. نبت.» (ص ۳۲۱ همان).

حاشیه‌نویس مذکور چند سطر پایین‌تر می‌نویسد: «آقای مکی هر چند که از کتاب اسنادخانه سدان مرحوم اسماعیل رابین شواهدی می‌آورد (صفحات ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۱۸، ۳۱۶ و ۳۱۵) ولی در واقع پاسخی به مطالب بالا نمی‌دهد و در عوض در چند سطر از مشارالیه (امیر علایی) با لفظ مجنون یاد می‌کند» (همان صفحه) در حاشیه مذکور مطالب دیگری هم وجود دارد، ولی چون از بحث ما خارج است، وارد آن نمی‌شویم.

صاحب این قلم برای اینکه به صحت و سقم این سند پی ببرد، به کتاب خاطرات پراکنده‌ی دکتر شمس‌الدین امیر علایی مراجعه و مشاهده کرد که او در صفحه‌ی ۲۳۵ کتاب خود به چنین موضوعی اشاره کرده، منتها با عبارات دیگری و نوشته است: «... آقای مکی متهم است که درخواست پول از شرکت نفت انگلیس و ایران کرده است و آنها رد کرده‌اند ایشان در موقع خود نه تعقیبی کرده است و نه تکذیبی...» و بعد در صفحه ۲۳۷ می‌نویسد: «... ما این سند را از روزنامه‌های دیگر به دست آوردیم... الخ کلیشه سند در صفحه ۲۵۳ که در صفحه ۲۵۳ چنین نامه‌ای کلیشه نشده بود و در صفحه ۲۵۴ ضمن اشاره به همین نامه: نوشته است: «ذیلا کلیشه می‌شود». ولی نه تنها کلیشه‌ای در صفحه مذکور هم نبود بلکه وقتی به کتاب: (اسرارخانه‌ی سدان) هم مراجعه

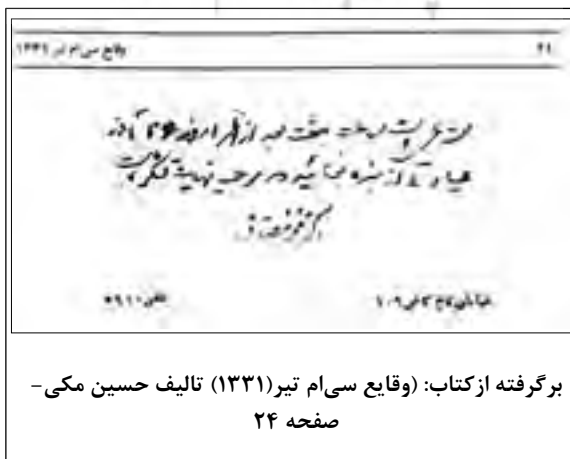
کردیم اصولاً در تمامی این کتاب، چنین نامه‌ای که آقای حسین مکی از شرکت نفت انگلیس و ایران تقاضای مساعدت کرده باشد وجود نداشت به عبارت دیگر نه متن نامه نقل شده از روزنامه زلزله در کتاب مشاهده شد و نه کلیشه مورد اشاره! اصولاً مکی هرگز امتیاز روزنامه‌ای نگرفته که برای انتشار آن طلب مساعدت کند. روزنامه آرام^(۲) هم که در کتاب اسرارخانه‌ی سدان نشان می‌دهد که خود از مواجب‌گیران شرکت نفت انگلیس و ایران بوده به چاپ دو کاریکاتور و همان نامه جعلی علیه حسین مکی مبادرت می‌کند و مرحوم سقا^(۳) «زاده» موسس توزیع جراید، از توزیع روزنامه آرام خودداری

می‌کند ولی مدیرآرام چند نفر اطفال ده، دوازده‌ساله را اجیر می‌کند و روزنامه‌ها را به آنها می‌دهد تا بفروشند و می‌گوید هر چه فروختید پول آن متعلق به خودتان.

مکی مدعی است که فریاد فروشندگان را که می‌گفته‌اند: (خیانت مکی!) می‌شنیده ولی می‌گوید: «واقعا نمی‌دانستم موضوع چیست تا اینکه دو روز بعد سرمقاله‌ی روزنامه باختر امروز به قلم دکتر حسین فاطمی را خواندم و از موضوع مطلع شدم. روزنامه آرام و سند خیانت خود را در آن موقع نخواندم تا اینکه پس از تقریباً سی سال، یک کلمه توهین‌آمیز؛ شمس‌الدین امیرعلایی کتابی منتشر کرد و به نام (خاطرات من در یادداشت‌های پراکنده و پاسخ در برابر جناب آقای حسین مکی!) و در پنج قسمت از آن کتاب یعنی صفحات ۲۵۴، ۲۳۷، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۸ از همان سند کذایی نام برده و به خواننده وعده داده است که کلیشه‌ی «سند خیانت حسین مکی!» در زیر چاپ می‌شود ولی در هیچ یک از پنج مورد مذکور این سند چاپ نشده است!!»^(۳)

مرحوم دکتر فاطمی در شماره ۷۸۷ مورخ ۲۳ فروردین ۱۳۳۱ روزنامه باختر امروز با عنوان: (از پیشروان نهضت ملی شدن نفت)، سفارت و عمال کمپانی سابق انتقام می‌گیرند) به دفاع جانانه‌ای از حسین مکی می‌پردازد و می‌نویسد: «... پس از نهضت ملی شدن نفت یک نقشه‌ی ماهرانه در اداره تبلیغات شرکت سابق طرح شده بود که برای هر یک از سران این نهضت شرح حال و بیوگرافی تهیه کند و ناسزا و فحش و وقیح‌ترین کلمات را در قالب عبارات بریزد و برای انتشار به روزنامه‌های مزدور خود بدهد...»

دکتر فاطمی در جای دیگر می‌نویسد: «... مکی در گرمای پنجاه تا شصت درجه آبادان نشان داد که تا چه حد به منافع ملت خود- ملتی که ازجان بیشتر دوستش دارد صمیمی و وفادار است...» اما ای کاش این وفاداری پایدار می‌بود و فریب وعده‌های دروغین شاه و دشمنان ملت را نمی‌خورد و راهش را از ملت جدا نمی‌کرد و به مصدق و یاران باوفایش پشت نمی‌نمود و آنها را در راه این مبارزه ملی تنها نمی‌گذارد! نخست باید به این موضوع اشاره کنیم که روابط



برگرفته از کتاب: (وقایع سی‌ام تیر (۱۳۳۱) تالیف حسین مکی - صفحه ۲۴

مرحوم دکتر محمد مصدق با مرحوم حسین مکی فوق‌العاده صمیمانه بوده و این از نامه‌های به جا مانده از دکتر مصدق که مکی در کتاب خاطرات سیاسی خود آورده و ما یکی از آنها را با توضیحاتی در این جا می‌آوریم بر آن مهر تایید می‌زند.

چرا مکی از دکتر مصدق رنجش پیدا کرد؟

نخستین رنجشی که حسین مکی از دکتر مصدق پیدا کرد هنگامی بود که وی دکتر سید علی شایگان را به سمت دبیر اداری جبهه ملی و مکی را به سمت دبیر سیاسی این جبهه تعیین کرد در کتاب: (تقریرات دکتر مصدق در زندان) چنین آمده است: «وقتی جبهه ملی تشکیل شد و مشغول کار شدیم حسین مکی دبیر حزب بود ولی کار اداری بلد نبود به طوری که در همه‌ی آن مدت یک صورتجلسه تهیه نشد اگر صورتجلسه‌ای هم می‌نوشت مثلاً این طور می‌نوشت که فلان کس اجازه صحبت خواست از این چیزها. لذا به فکر این افتادیم یک نویسنده پیدا کنیم تا مطلبی که گفته می‌شود درست نوشته شود. آمدیم گفتیم جبهه ملی یک دبیر سیاسی داشته باشد و یک دبیر اداری، مکی دبیر سیاسی باشد و دکتر شایگان دبیر اداری که صورتجلسه بنویسد و کار اداره‌ای را بکند و سر و صورتی به کارها بدهیم مکی بدش آمد و قهر کرد خلاصه از این لحاظ کار سر نگرفت.» (ص ۱۳۶ همان).

در صورتی که مکی علاقه‌مند بود که او دبیر اداری بشود نه دبیر سیاسی، ولی انتخاب دکتر شایگان از این جهت صورت گرفته بود که او دارای تحصیلات عالی و استاد دانشگاه بود. ولی حسین مکی دارای چنین تحصیلاتی نبود^(۴)

رنجش بعدی هنگامی رخ داد که دکتر مصدق در ۱۴ مهر ۱۳۳۰ در راس هیاتی به منظور شرکت در جلسه شورای امنیت عازم آمریکا شد. اعضای هیات عبارت بودند از: سناتور دکتر احمد متین‌دفتری، سناتور مرتضی قلی‌بیات، الهیار صالح، دکتر شایگان، دکتر سنجابی، دکتر بقایی، جواد بوشهری، دکتر حسین فاطمی، حسین نواب، دکتر غلامحسین مصدق، ضیاء‌اشرف مصدق، (۵) عباس مسعودی مدیر اطلاعات، دکتر مصباح‌زاده مدیر کیهان، شجاع‌الدین شفا رییس تبلیغات. ولی دکتر مصدق به دو علت از بردن حسین مکی خودداری کرد.

۱- مکی زبان انگلیسی نمی‌دانست.

۲- مکی در آن موقع به قول خودش دست چپ و راست دکتر مصدق بود و دکتر مصدق به سبب اعتمادی که به وی پیدا کرده بود می‌خواست در غیابش مراقب مسایل مربوط به شرکت نفت باشد. این هم یکی از عللی بود که دکتر مصدق او را با خود نبرد.

اما به گفته یکی از روزنامه‌نگاران قدیمی که سری در سرها داشته و بحمدالله به مرز هشتاد سالگی رسیده و گز تعارفی دکتر مصدق را نوش جان کرده، می‌گوید: «همان روز که

فردای آن روز او را به زور سوار هواپیما کرد و از کشور خارج نمود...» اگر می‌خواهید به علل شکایت یمنی واقف شوید به صفحات ۴۱۸ و ۴۱۹ جلد اول خاطرات فردوست مراجعه فرمایید.

۳- خاطرات حسین مکی ص ۵۰۲.
۴- به نوشته دکتر عاقلی در جلد سوم (شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران) حسین مکی در مدارس یزد به تدریس ریاضیات مشغول بوده و بعد به تهران منتقل می‌شود و نزد معلمین خصوصی به ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی و منطق می‌پردازد. ولی اینکه می‌نویسد: «خدمت وظیفه‌ی خود را هم در نیروی هوایی انجام داد» با سایر روایاتی که وی استوار نیروی هوایی بوده و در واحدهای نظامی (استوار وظیفه) وجود ندارد جای بحث است و اگر پرسنل استخدامی بوده، مستغفی شده و یا به عللی اخراج گردیده است! که امیرعلایی معتقد به قسمت اخیر می‌باشد!

۵- خانم ضیاء‌اشرف دختر مرحوم دکتر مصدق بود. ضمناً دکتر مصدق هزینه سفر خود و دو فرزندش و مشاورانش از جمله دکتر بقایی را شخصاً پرداخت همچنان که در تمام دوران زمامداری، دیناری از بودجه نخست‌وزیری استفاده نکرد و حتی دستور داد کلیه هزینه شام و ناهار و صبحانه پنجاه سرباز و درجه‌داران و افسران محافظ توسط شرافتیان پیشکار شخصی‌اش پرداخت گردد. به گفته آقای محمد حسین کرمانی مدیر آژانس هواپیمایی کرمانی بلیط این سفر از شرکت پرس اکسپرس خریداری شده است.

دکتر مصدق از نظر اخلاقی صفات پسندیده‌ای داشت. به قول استاد ادیب برومند شاعر نامی و ملی ایران: «چون سیاستمدار برجسته‌ای بود بیشتر به جنبه‌های سیاسی وی پرداخته شده است ولی جنبه‌های اخلاقی بسیار پسندیده او که در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی داشته است کمتر توجه شده است کسانی که از نزدیک به نحوی با ایشان ارتباط داشته‌اند شاهد مکارم اخلاقی این مرد بزرگ بوده‌اند که خود موضوعی قابل تحسین و بحث است و کسانی که راجع به ایشان شرح حال می‌نویسند مناسب است که به جنبه‌های اخلاقی این مرد بزرگ که در کمتر سیاستمداری این جنبه‌ها وجود داشته است، بپردازند». خوشبختانه ما گاه و بیگاه به این موارد پرداخته‌ایم.

سوم «شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران» ضمن اشاره به خدمات حسین مکی در جریان ملی شدن صنعت نفت و حمایت از دکتر مصدق، به مخالفت وی در موضوع تقاضای تمدید اختیارات، می‌نویسد: «... مکی پس از چندی در مجلس اعلام کرد که به دکتر مصدق رأی اعتماد خواهیم داد، ولی عملاً از مصدق جدا شد و با شاه نزدیکی بیشتری پیدا کرد و غالباً به ملاقات او می‌رفت. از طرف شاه به وی پیشنهاد وزارت دربار شد ولی آن سمت را نپذیرفت. چند بار شاه توسط سید جلال شادمان برای او پیغام فرستاد که اگر داوطلب جانشینی مصدق باشید، همه گونه کمک به شما خواهد شد. ولی به هر تقدیر وعده‌های شاه برای اغفال مکی بود و به دیگر مخالفین نیز چنین وعده‌هایی داده بود...» (ص ۱۵۲۹ همان).

با پوزش از خوانندگان از طولانی شدن این قسمت، اجازه فرمایید دنباله این مطالب در شماره بعد پیگیری شود.

پانویس‌ها:

- ۱- صص ۱۲۸-۱۲۷ همان.
- ۲- مدیرآرام حسین یمنی سرهنگ سابق ارتش بود. در روزنامه‌اش از دربار طرفداری و به حکومت مصدق و یاران او حمله می‌کرد و از اندک روزنامه‌های جیره‌بگیر شرکت نفت بوده که نامش در صفحه ۳۲۷ کتاب: (اسرارخانه‌ی سدان) آمده است. یمنی یک بار به قصد شکایت از سرلشکر تیمور بختیار که ریاست ساواک را به عهده داشت با عصبانیت نزد ارتشید سابق حسین فردوست می‌رود و پس از طرح موضوع، فردوست می‌گوید: «من به او توپدم و گفتم: «تو خودت هم دست کمی از بختیار نداری و در روزنامه‌ات کلاهبرداری می‌کنی و با تهدید از مردم پول‌های هنگفت می‌گیری... تیمور بلافاصله فهمید که یمنی نزد من شاکی شده

دکتر مصدق عازم فرودگاه می‌شود به راننده می‌گوید از مسیر کاخ مرمر که در آن موقع محل اقامت شاه بوده و خود او هم خانه‌اش در خیابان کاخ جنوبی شماره ۱۰۹ قرار داشت، برود. از اتفاقات روزگار وقتی اتومبیل به نزدیک درب کاخ می‌رسد دکتر مصدق می‌بیند که مکی قصد ورود به کاخ را دارد در حالی که هر دو یکدیگر را می‌بینند دکتر مصدق سرش را از شیشه بیرون می‌کند و خطاب به مکی می‌گوید: «ان‌شالله خوش بگذرد!». از این جا بود که دکتر مصدق به مکی مشکوک شد.

خود مکی هم در مصاحبه‌ای که در شماره اول فصلنامه تاریخ معاصر ایران از او به چاپ رسیده اشاره‌ای به این موضوع کرده و می‌گوید: «مطلب دیگر اینکه وقتی دیدند از مصدق جدا شدم گفتند چون او را به آمریکا نبرده مخالف شده ...» (ص ۲۱۳ همان).

بعد از همین سفر بود که بانک بین‌المللی جهانی از مکی دعوت کرد که به آمریکا برود و رفت! در این جا این سوال پیش می‌آید که این دعوت خود به خود صورت گرفت یا تشبثاتی به کار رفت و نتیجه‌اش این شد که در کتاب: (جنبه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد) نگارش کورش زعییم از انتشارات ایران مهر، با تاسف می‌خوانیم: «سید حسین مکی که مدتی بود به آمریکا سفر کرده بود، روز ۱۶ آذر ۱۳۳۱ از آمریکا بازگشت و از آن به بعد رفتار و گفتارش، که قبلاً صد در صد در پشتیبانی از دکتر مصدق بود، تغییر نمود و آغاز به ناسازگاری و مخالفت با مصدق کرد.» (ص ۲۴۵ همان) و دکتر عاقلی هم در جلد

تازه‌های نشر آبی



سروری با مینا
نمایش آمیخته برای منطقه بر جهان

نوا و چامسکی



ایران بر تالطم







نشر آبی - تهران، خیابان کریمخان زند، شماره ۱۰۹ (۵۲ جدید) - تلفن: ۸۸۸۲۳۵۲۵